

بررسی برهان وجدان اخلاقی بر وجود

خدا با تأکید بر دیدگاه علامه

محمدتقی جعفری

غلام حسین عرفانی^۱، محمد رضا پور^۲، محمدباقر قیومی^۳

چکیده

وجدان اخلاقی که ویژگی خاص نفس انسانی است، به عنوان برهان برای شناخت و اثبات خدای متعال میان متفکران اسلامی قرار نگرفته است. در آثار مکتوب علامه جعفری مطالبی وجود دارد که می‌توان از آنها توجه دادن انسان به این ویژگی نفس و چگونه برهان قرار گرفتن آن را استفاده کرد. با توصیف و تحلیل گفتار علامه، وجدان اخلاقی به عنوان راهنمای مطمئن درونی، وادارکننده به کارهای نیک، سرزنش‌کننده از انجام کارهای نادرست، زمینه‌ساز خدانشناسی حضوری، سبب اصلاح و تکامل نفس، شکوفاکننده عواطف و احساسات قدسی، توجه دادن به اوصاف اخلاقی خداوند، پیک خداوند در درون انسان، انعکاس‌دهنده صفات خداوند و جلوه‌ای از کمال الهی است. در صورت توجه شخصیت انسانی به فعالیت‌های وجدان اخلاقی و زدودن موانع شکوفایی آن، بهترین وسیله برای رساندن انسان به حقایق و دریافت حضوری خداوند است. بنابراین وجدان اخلاقی اساسی‌ترین عامل درونی و قابل اعتنا برای دریافت و اثبات شهودی خداوند است؛ خدایی که به صورت ذاتی واجد برترین اوصاف اخلاقی و محیط بر همه نفوس انسان‌هاست.

واژگان کلیدی: برهان وجدان اخلاقی، شناخت خدا، اثبات وجود خدا، علامه جعفری

۱. دانش آموخته دکتری جریان‌های کلامی معاصر مجتمع آموزش عالی امام خمینی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

erfani1359@yahoo.com

rezapoor110@yahoo.com

erfani1359@gmail.com

۲. استادیار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

۳. استادیار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

نحوه استناد: عرفانی، غلام حسین؛ رضا پور، محمد؛ قیومی، محمدباقر (۱۴۰۵). «بررسی برهان وجدان اخلاقی بر وجود خدا با تأکید بر دیدگاه علامه محمدتقی جعفری». حکمت اسلامی، ۱۳ (۱)، ص ۱۹۴-۱۷۷.

۱. مقدمه

چهار نوع شناخت به خداوند می‌توان داشت: شناخت فطری؛ شناخت استدلالی و عقلی؛ شناخت و حیانی؛ شناخت شهودی و عرفانی.

شناخت استدلالی بر دو قسم است: مفهوم‌محور و واقعیت‌محور. در شناخت مفهوم‌محور، مفهوم خدا در نظر گرفته می‌شود، مثل برهان وجودی آنسلم، دکارت و محقق اصفهانی. شناخت واقعیت‌محور خود بر دو قسم است: در قسم اول، اصل واقعیت که خارج‌کننده از سفسطه است در برهان استفاده می‌شود؛ مثل برهان صدیقین. در قسم دوم، واقعیت خاص مورد استفاده برهان است که این واقعیت خاص، یا بیرونی است، مانند برهان حرکت، حدوث و نظم؛ یا واقعیت خاص درونی است، مانند برهان اخلاقی، برهان فطرت و برهان اول و دوم دکارت در تأملات. بنابراین برهان وجدان اخلاقی از نوع برهان واقعیت خاص آنفسی مربوط به شناخت استدلالی نفس است. در ضرورت این برهان همین گفتار کفایت می‌کند که: شناخت اخلاق، آفات نفس و کمالات آن به اندازه استعداد هر فرد، واجب عینی است؛ (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۷) اما متأسفانه تعداد کثیر از مردم، بر اثر گرایش‌های نادرست و خواسته‌های نامتعادل، به شرک اخلاقی آلوده هستند (جعفری، ۱۳۸۶، ج ۲۴، ص ۲۴۰).

پیشینه موضوع: آنچه تاکنون به عنوان برهان اخلاقی رایج‌تر است برهان اخلاقی کانت است، نه برهان وجدان اخلاقی؛ چنان‌که اسم هر کدام نشان‌دهنده تمایز است. در برهان اخلاقی، از اخلاق به عنوان یک خصوصیت ویژه برای اثبات خداوند متعال استفاده شده است، اما در برهان وجدان اخلاقی، وجدان که متصف به اخلاق است ریشه و اساس قرار گرفته است، نه صفت اخلاق. توضیح:

۱. برهان وجدان اخلاقی به لحاظ روش، از برهان اخلاقی کانت متمایز است؛ زیرا در برهان وجدان اخلاقی، وجدان به عنوان یک قوه و استعداد فطری در صورت اتصاف به قوانین اخلاقی این قابلیت را پیدا می‌کند که به مافوق بشریت و واجد برترین خیر اخلاقی شخصیت را برساند؛ اما در برهان اخلاقی کانت، از اخلاق که محوریت دارد به مسلّم فرض کردن خدای متعال می‌رسد. کانت از قانون اخلاق به اخلاقی بودن و وظیفه عملی و از اخلاقی بودن به جاودانگی می‌رسد؛ همچنین از قانون اخلاق، به سعادت متناسب با اخلاقی بودن، یا به فرض علت کافی برای اخلاقی بودن می‌رسد (کانت، ۱۳۸۹، ص ۲۰۵-۲۰۴). یکی از عناوین کتاب «نقد عقل عملی» کانت این است: «وجود خدا به عنوان اصل موضوعی عقل عملی محض». خلاصه مطلب این است که: انسان

فقط بر بنیان و هماهنگی قانون اخلاق می‌تواند چیزی را مقدس بخواند، زیرا قانون اخلاق بر خودآیینی اراده مختار انسان مبتنی است و اراده باید مطابق قوانین کلی خود، قادر به موافقت با چیزی باشد که خود را تابع آن [خیر اعلا و خدا] قرار دهد. همه اصول موضوعه از اصل اخلاق به دست می‌آید و خود اصل اخلاق، اصل موضوعی نیست بلکه قانون عقل است که اراده را موجب می‌سازد (همان، ص ۲۱۶-۲۰۴).

۲. به لحاظ واسطه در اثبات، وجدان متصف به اخلاقیات چیزی است و اخلاق یا قوانین اخلاقی چیزی دیگر است.

۳. به نظر می‌رسد دیدگاه علامه جعفری که مبتنی بر وجدان اخلاقی است استوارتر از دیدگاه کانت است که با محوریت اخلاق است؛ زیرا وجه رو به تکامل نفس یا عقل است که می‌تواند به ملکات اخلاقی متصف شده و زمینه اندیشیدن به ورای اخلاقیات را فراهم سازد تا انسان از این طریق، مجذوب و واجد ذاتی خیر اعلا گردد. اما در آثار ترجمه شده کانت مانند بنیاد مابعد الطبیعه اخلاق، نقد عقل عملی و نقد قوه حکم، محوریت اخلاق مطرح است، نه وجدان اخلاقی.

عین این موضوع در لابلای کتب و مقالات یافت نشد، اما بعضی از مفاهیم آن ضمن موضوعات دیگر و با رویکرد متفاوت در لابلای مقاله‌ها و کتاب‌ها مطرح شده است. نمونه بارز آن در شماره ۲۹ فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌نامه اخلاق، سال هشتم، پاییز ۱۳۹۴ تحت عنوان «بازخوانی وجدان اخلاقی از نگاه علامه جعفری» چاپ شده است. این مقاله نگاهی متفاوت را دنبال می‌کند و با رویکرد اثبات خداوند نیست. نقطه اشتراک جزئی آن، در برخی توضیحات وجدان اخلاقی است، نه در رویکرد برهان شدن آن بر وجود خدای متعال که تکیه اصلی مقاله پیش رو بر آن است. بنابراین تا کنون از دیدگاه علامه جعفری تحت عنوان «برهان وجدان اخلاقی» کار نشده است و این موضوع تازه و جدید است.

۲. تعریف وجدان اخلاقی

به نظر می‌رسد تعریف جامع و کاملی در این زمینه وجود ندارد، لذا در گفتار بعضی از بزرگان، عجز از تعریف حقیقت وجدان اخلاقی هم دیده می‌شود. به صورت کلی در گفتار علماء، تعریف‌ها و بیاناتی نیز وجود دارد که در اینجا به مواردی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

حقیقت وجدان اخلاقی را نمی‌دانیم و از آثار آن به حالتی به نام وجدان پی می‌بریم (مظاهری، ۱۳۸۶، ص ۱۱۶)؛ بنابراین، تعریف وجدان اخلاقی میسر نیست. در کتاب دیگرش می‌نویسد: وجدان اخلاقی، عقل، روح، قلب و صدر به یک معنا است و همه اینها به بُعد معنوی انسان نظر دارد (همو، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۳). حق این است که وجدان خلقی به عنوان استعداد تشخیص عمل خوب و بد در

انسان فطری است (حقانی، ۱۳۷۳، ص ۴۴). چیزهایی که انسان خوبی و بدی آنها را بدون تعلیم از کسی، در درون خود درک می‌کند و مانند امور غریزی از سرشت انسان محسوب‌اند، «وجدان اخلاقی» یا «اخلاق فطری» نامیده می‌شوند (سبحانی، ۱۳۷۷، ص ۷۱). ظاهراً مقصود از «درک»، دریافت حضوری است. استعداد آدمی نسبت به تمییز خیر و شر و گرایش طبیعی به خیر و گریز از شر وجدان اخلاقی است (مصباح، ۱۳۹۸/الف، ص ۲۰۴). در کتاب دیگر می‌نویسد: مراد از وجدان اخلاقی استعدادهای فطری انسان در تشخیص خیر و شر و گرایش طبیعی او به خیر و گریز از شر است (همو، ۱۳۹۷، ص ۸۵). وجدان اخلاقی که مربوط به شناخت خوب و بد است همان عقل است و نیروی خاصی در وجود انسان نیست (همو، ۱۳۹۸/ب، ص ۲۳۵). وجدان اخلاقی نیروی باطنی برخاسته از بعد عاطفی و گرایشی سرشت نیک و از شئون فطرت الهی و گرایش است، نه بینش. استفاده صحیح از وجدان اخلاقی بدون وجدان عقلی ممکن نیست، زیرا نیروی باطنی گرایش به نیکی بدون شناخت صحیح خیر و خوبی توسط عقل کارساز نیست. (عباس‌نژاد، ۱۳۸۴، ص ۲۴۷). با توجه به این گفتار و معرفی «وجدان اخلاقی» که بزرگان با نگاه ویژه‌شان به آن پرداخته‌اند، نقطه اشتراک بیشتر آنان در این است که به استعداد تشخیص خوب و بد اشاره کرده است.

علامه جعفری با نگاه تفصیلی‌تر به بحث وجدان اخلاقی پرداخته و تفاوت سه وجدان را چنین توضیح می‌دهد: تفاوت میان وجدان (کونسیانس) با وجدان به معنای فلسفی و وجدان اخلاقی، ممکن است از قبیل جزء و کل باشد؛ «وجدان اخلاقی» عبارت از آگاهی به بعضی از شئون شخصیت است. پس از آنکه انسان موقعیت خود را مقابل حادثه‌ای مفروض تشخیص داد، به بایستگی یا نبایستگی و تشویق به شایستگی و اکراه از ناشایستگی تحریک می‌کند. در این تعریف، آن قسمت از «من» مورد آگاهی است که شخص از نظر اخلاقی روش معینی برای خود اتخاذ کرده است. وجدان (کونسیانس) به معنای آگاهی به «خود» به طور عموم تمام شخصیت را مورد توجه قرار می‌دهد. وجدان به معنای فلسفی، مطلق دریافت درونی است که از هر دو قسم قبلی کلی‌تر است (جعفری، ۱۳۹۵/ب، ص ۱۲۲). علامه جعفری می‌گوید: برای تعیین عاملی که در نفس آدمی تأثیر ایجاد می‌کند باید از کلام خداوند که خالق انسان است استمداد گرفت. خداوند می‌فرماید: «سوگند به نفس و آن حکمتی که آن را ساخته و تنظیم کرده، سپس به او فسق و تقوا را تفهیم کرده است، کسی که نفس را ترکیه کرد قطعاً رستگار شد و کسی که آن را آلوده کرد ساقط و ناامید شد» (شمس (۹۱)، ۱۰-۷). فاعل الهام، خداوند است، فاعل ترکیه، خود ملکوتی و فاعل سقوط و یأس، خود طبیعی حیوانی است. خود ملکوتی موجب نجات و رستگاری است و خود طبیعی حیوانی عامل انحراف و سقوط است. خود ملکوتی با توجه به تحقیقات عمیق در درون انسان‌ها و شواهد

قانع‌کننده، همان «وجدان اخلاقی» است و این وجدان، همواره اراده و تصمیم را در اختیار دارد (جعفری، ۱۳۹۵/ب، ص ۶۲-۵۹). در ادامه، علامه می‌گوید: این فعالیت مثبت نفس که وجدان دارای آن است، به اندازه‌ای مهم است که در بعضی آیات، خداوند آن را به خود نسبت داده است. آیه ۲۷ سوره ابراهیم می‌فرماید: «خداوند مؤمنین را با عقیده ثابت در زندگی دنیا و آخرت استوار می‌دارد»؛ یعنی خداوند به وسیله وجدان، نفس انسان مؤمن را از دگرگونی‌های ویرانگر حفظ می‌کند (همان، ۱۳۹۵/ب، ص ۶۴-۶۳).

علامه، هم به جنبه تشخیصی خوب و بد و باید و نباید «وجدان اخلاقی» اشاره کرده است و هم به جنبه ملکوتی آن و هم به در اختیار داشتن اراده و تصمیم. مهم‌تر از همه - که با برهان ارتباط نزدیک دارد- «وجدان اخلاقی» وسیله ارتباط انسان با خدا یا برعکس، وسیله ارتباط خدا با انسان معرفی شده است.

با توجه به گفتارهای مذکور، وجدان اخلاقی را می‌توان چنین تعریف کرد: کانون یا نیروی قدرتمندی در وجود انسان است که در صورت توجه شخصیت انسانی به آن، به نحو شخصی و اجمالی هدایتگر انسان به بایستگی‌ها و پرهیز از نایستگی‌های قبل از عمل، هنگام عمل و بعد از عمل است.

۳. تعابیر وجدان و اخلاق در گفتار علامه

علامه جعفری به صورت جدا و ویژه، به برهان وجدان اخلاقی نپرداخته است، اما از تعابیر علامه درباره «وجدان» و «اخلاق» و نقش این دو در شناخت، شخصیت و رفتار انسانی، می‌توان این برهان را استخراج کرد. تعابیر ذیل از گفتار علامه جعفری چنین است:

وجدان و خرد، رکن اساسی زندگی حقیقی و زندگی معقول آدمی است (جعفری، ۱۳۸۶، ج ۱۴، ص ۱۲۱). نتیجه اهمیت ندادن به کارکرد وجدان، سقوط وجدان است (همان، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۲۸۱). ابزار کار وجدان در همه دوران‌ها و واقعیت‌های ثابتی مانند عدالت است (همان، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۱۹-۱۸). وجدان، قطب‌نمای بسیار حساس دستوره‌های الهی است (همان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۵۰)، شخصیت آدمی بدون قطب‌نما کارآیی نخواهد داشت (همان، ۱۳۸۶، ج ۲۴، ص ۳۵۲). وجدان نورانی، پیک مستقیم خداوند در درون انسان‌ها است (همان، ۱۳۸۶، ج ۲۵، ص ۱۰۴). وجدان ناب در وجود انسانی جلوه‌ای از کمال الهی است. خداوند متعال، نمونه و جلوه‌ای از کمال خود را به بندگانش عنایت فرموده است، لذا من انسانی، مشتاق متصف شدن به نمونه‌ای از کمال والایی است که در خالق خود سراغ دارد (همان، ۱۳۸۶، ج ۱۲، ص ۳۵۸). وجدان وسیله دریافت خداوند است (همان، ۱۳۸۶، ج ۱۳، ص ۷۰). انعکاس‌دهنده صفات و صدای خداوند است (همو، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۶۶۷).

دین الهی و وجدان ناب، دو ریشه اساسی اخلاق است. (همو، ۱۳۸۶، ج ۲۴، ص ۳۰۸).
 اخلاق نشان‌دهنده وجدان سالم است (همان، ۱۳۸۶، ج ۲۵، ص ۹۲). با شرافت‌ترین و
 اساسی‌ترین عامل شناخت است؛ شکوفا شدن همه ابعاد مثبت انسانی است در مسیر هدف اعلای
 زندگی (همان، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۲۴۰). حقایق متمایزکننده انسان از حیوان، اخلاق است (همان، ۱۳۸۶،
 ج ۲۴، ص ۳۰۵-۳۰۴). با بُعد اخلاقی، شناخت علمی هستی و نیز دریافت هستی ممکن است
 (همان، ۱۳۸۶، ج ۱۴، ص ۵۳-۵۲). اخلاق فاضله، از بایدهای ارتباط انسان با خداست (همان، ۱۳۸۶،
 ج ۲۴، ص ۲۸۴-۲۸۳). اخلاق حقیقی احساس جزء بودن از کل حیات انسانی است؛ به این معنا که
 رابطه یک فرد با تمام بشریت، رابطه عناصر یک روح با مجموع آن است. نسبت چنین اخلاقی با
 «حیات معقول»، نسبت روح با بدن است؛ روحی که پیامبر ﷺ رشد و کمال آن را هدف پیامبری
 خود معرفی فرمود. بنابراین حیات معقول و حیات طیبه، بر مبنای اخلاق والای انسانی است که
 پیامبر ﷺ برای متمیم آن مبعوث شده است (همان، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۲۴۱-۲۳۷). با توجه به این
 نمونه‌ها از عبارات، وجدان اخلاقی به عنوان حجت و آیت نفسی برای اثبات وجود خدای رحمان
 قابل طرح است.

۴. ویژگی‌های وجدان اخلاقی

غالباً علامه جعفری در کتاب وجدانش، از «وجدان» وجدان اخلاقی را در نظر دارد و مواردی که به
 غیر از وجدان اخلاقی استعمال شده است معمولاً با قرینه همراه است. به‌طور کلی، وجدان اخلاقی
 در سه مرحله قبل از عمل و هنگام عمل و بعد از عمل، نقش فعال دارد. علامه می‌گوید: وجدان در
 مبدأ، مقصد و مسیر، قطب‌نمایی است که هرگز اشاره به خطا و انحراف نمی‌نماید (همان، ۱۳۸۶،
 ج ۱، ص ۲۷۵) و در صورت آلوده نبودن به خودخواهی‌ها، عامل تشخیص حق از باطل است (همان،
 ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۶۶). از این گفتار دانسته می‌شود که قطب‌نمایی وجدان شامل همه رفتارهاست.

آیت‌الله حسین مظاهری، از نقش وجدان در سه مرحله عمل چنین توضیحی ارائه می‌کند: از
 ویژگی مهم وجدان اخلاقی این است که انسان را قبل از انجام کارهای خیر، تشویق و ترغیب
 می‌کند و در پایان، شخص را تحسین کرده، به او آفرین می‌گوید. در کارهای بد، برعکس عمل
 می‌کند؛ قبل از شروع به کار هشدار می‌دهد، در حین عمل انسان را تهدید و در پایان کار، انسان را
 سرزنش می‌کند. لذا قرآن وجدان اخلاقی را نفس لوامه نامیده است (مظاهری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۷).
 بنابراین می‌توان وجدان اخلاقی را با ویژگی‌هایی ذیل شناخت:

۴-۱. هدایتگر قبل از عمل

وجدان اخلاقی انسان را به خیر و شر اخلاقی و بایسته‌ها و نبایسته‌های صحنه زندگی راهنمایی

می‌کند. البته باید توجه داشت که این خصوصیت به صورت اجمالی است، نه تفصیلی؛ به این معنا که در همه جزئیات رفتارهای آدمی راهنما باشد، چنین ادعایی اثبات نشده است. درباره احساس عمومی وجدان اخلاقی، علامه این تعابیر را نام می‌برد: وجدان اخلاقی شگفت‌انگیزترین آشنای روح، خورشید روح افروز و مشعل فروزان شب‌های تاریک انسان است (جعفری، ۱۳۹۵/الف، ص ۳۱۰). همچنین وجدان اخلاقی را عامل توانمند کسب فضایل و کارهای نیک و پرهیز از کارهای زشت، چنین بیان می‌دارد: وجدان اخلاقی عامل بسیار نیرومند برای کسب فضیلت‌ها و فعالیت‌های نیکو و پرهیز از کارهای زشت است. وجدان اخلاقی را اصطلاح‌باف‌های حرفه‌ای به نام فلسفه، یک پدیده روانی ساخته‌شده اجتماع معرفی کرده و از اصالت انداخته‌اند، در حالی که وجدان اخلاقی برای اثبات ضرورت صلح، آزادی و عدالت لازم است (همو، ۱۳۹۲، ص ۱۱۷-۱۱۶). وجدان اخلاقی همانند قطب‌نما مطابق قانون مخصوص خود حرکت می‌کند؛ یعنی با توجه به قانون خاصی که برای وجدان اخلاقی تعریف شده است، حقایق را نشان داده؛ مانند وسیله قطب‌نما انسان را به هدف و مقصود حقیقی راهنمایی می‌نماید و چنین راهنمایی بدون شناخت قبلی ممکن نیست. علامه در مورد این تشبیه می‌گوید: وجدان کمال‌جو یا مطابق‌نامیدن متفکران بعضی از جوامع، وجدان اخلاقی همواره در پرتو معرفت به اصل و قانون حرکت می‌کند، چنان‌که قطب‌نما با قانون مربوط به صفحه خود حرکت کرده و قطب را نشان می‌دهد (همو، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۶۸). قطب‌نمایی وجدان، در حقیقت هدایتگری اوست.

۲-۴. وادارکننده کارهای نیک و احساس رضایت از آن

هنگام عمل، یک نیروی وادارکننده و الزام‌آور است به انجام قواعد اخلاقی. آیت‌الله مهدوی کنی می‌گوید: انسان حس مسئولیت و وجدان اخلاقی دارد که مقابل تمایلات شهوانی هشدار می‌دهد و نسبت به تعهدات اخلاقی و التزامات و مسئولیت‌های انسانی او را ملزم می‌سازد (مهدوی، ۱۳۸۴، ص ۴۵).

علامه جعفری در تطبیق وجدان اخلاقی به عنوان عامل نجات و رستگاری به مضمون آیه ۹ سوره شمس، این‌گونه تبیین می‌دارد: خود ملکوتی مقابل خود طبیعی حیوانی است. عاملی که موجب نجات و رستگاری انسان می‌شود خود ملکوتی و وجدان اخلاقی است که این وجدان، اراده و تصمیم را همیشه در اختیار دارد. آیه ۹ سوره شمس که می‌فرماید: «کسی که نفس خود را تزکیه کرد قطعاً رستگار شد». وجدان همان خود ملکوتی است که نفس را از آلودگی‌ها دور داشته و به مسیر رو به پیشگاه جاذبیت ربوبی به حرکت درمی‌آورد. این مهم‌ترین کارکرد وجدان اخلاقی است که آدمی را به زندگی اصلی‌اش که قرار گرفتن در حضور ربوبی است نائل می‌سازد (جعفری،

۱۳۹۵/ب، ص ۳۵۶-۳۵۵). مهم‌ترین کارکرد وجدان اخلاقی که انسان را از آلودگی دور داشته و محرک انسان برای رسیدن به قرب الهی است در این گفتار علامه اشاره شده است. علامه می‌گوید: دریافت نابِ وجدان اخلاقی، اساسی‌ترین محرک آدمی به انجام وظیفه و تکلیف، بدون توقع پاداش است (همو، ۱۳۹۲، ص ۳۰۸). بنابراین، جنبه دریافتی وجدان اخلاقی در انجام وظیفه و عمل، نقش اساسی دارد که باید دید این جنبه چرا به خاموشی و تعطیلی کشیده می‌شود!

۳-۴. ملامتگر کارهای نادرست

وجدان اخلاقی این‌گونه نیست که انسان را بعد از انجام عمل رها کند، مخصوصاً بعد از انجام کارهایی که خلاف اصول اخلاقی باشد.

علامه درباره علت سرزنش وجدان می‌نویسد: سرزنش و ملامت از کارکردهای درونی انسان است که قرآن کریم از آن به نفس لَوَّامه تعبیر فرموده است؛ این سرزنش برای دفاع از شخصیت ایده‌آل انسان و در تلاش برای تکامل آن صورت می‌گیرد (همو، ۱۳۹۵/ب، ص ۲۰۸). همچنین درباره تقابل وجدان ملامتگر با نفس اماره و سرکوب نکردن آن می‌گوید: انسان با خودش گفت‌وگو می‌کند، محتویات درون خود را می‌نگرد، رازونیز اسرارآمیز با خودش انجام می‌دهد، خود را ملامت می‌کند؛ هرکدام از این حالات روانی دارای شرایط و انگیزه مخصوص است. موقعی که وجدان حالت ملامتگری به خود می‌گیرد، منظره عجیبی در درون انسان است. جنبه ملامتگری من و وجدان آدمی هنگام ارتکاب خطاها، حالتی بسیار مقدس و با اهمیت است که مورد سوگند خداوند متعال قرار گرفته است. شرط فعال نگه داشتن این وجدان، ضرورت احترام گذاشتن به وظیفه و نیفتادن به دام دغل‌بازی‌های نفس اماره و غرایز حیوانی است؛ زیرا مقابل نفس لَوَّامه کارکردهای بسیار ماهرانه از نفس اماره است که می‌کوشد مانع از اجرای کیفر سرزنش گردیده و با فلسفه‌بافی‌ها و تأویلاتی که دارد، تبهکاری‌های آدمی را شایسته ارتکاب جلوه می‌دهد (همو، ۱۳۸۳، ج ۱۱، ص ۶۱۲-۶۱۱). می‌توان با توجه به این مضامین و دیگر گفتار علامه در تطبیق‌سازی عبارات قرآنی به مفاهیم فلسفی، دریافت که مقصود از نفس اماره کارکردهای عقل نظری جزئی است و مقصود از نفس لَوَّامه وجدان اخلاقی و عقل عملی است که مطابق دیدگاه علامه، عقل نظری در هماهنگی با عقل عملی وسیله ارزشمندی است، نه در توجیهاات که مقابل عقل عملی است.

۵. تقریر برهان وجدان اخلاقی

۱. انسان در وجود خودش نیروی قدرتمند و تابناک وجدان اخلاقی را می‌یابد که در سه مقام:

قبل از عمل، هنگام عمل و بعد از عمل، تأثیرگذار است.

۲. چنین نیرویی نمی‌تواند از ویژگی‌های طبیعی و مادی و فعل و انفعالات فیزیکی و شیمیایی وجود انسانی یا نفس انسانی برخاسته باشد؛ زیرا در بسیاری مواقع، برخلاف مشتبهات نفس انسانی حکم می‌کند. بنابراین وجدان اخلاقی الزام‌آور بیرونی، غیر از نفس انسانی است.
۳. پس این نیرو و کانون اخلاقی باید از یک منبع برتر که بالذات واجد خیر اتم و اکمل اخلاقی و محیط بر همه نفوس است، نشئت یافته باشد.
۴. زیرا وجدان اخلاقی امر عام و فراگیر در تمام نفوس انسان‌هاست، لذا منبع آن باید موجودی باشد که محیط بر همه نفوس و مرتبط با آنان است.
۵. موجودی که محیط بر همه نفوس است، جز خداوند تبارک و تعالی نمی‌تواند باشد.
۶. بنابراین با دریافت نیروی تابناک وجدان اخلاقی در وجود انسان، به وابستگی آن به خیر اعلا به گونه حضوری و شهودی پی‌برده می‌شود.

۶. مزایای برهان وجدان اخلاقی

این برهان به هیچ مقدمه‌ای جز انسان بودن نیازمند نیست. مزایای این برهان را می‌توان چنین برشمرد:

۱-۶. حضوری بودن مقدمات

غالب مقدمات این برهان مانند مقدمات برهان حرکت و نظم نیست که از علم حصولی تشکیل شده باشد، بلکه حضوری است؛ به این معنا که انسان علاوه بر دریافت وجدان اخلاقی و احکام عام درونی، وابستگی و نیز معلولیت خود را به علم حضوری می‌یابد. در کتاب آموزش فلسفه آمده است که نفس انسان هر یک از شئونش را با خود نفس سنجیده، و با علم حضوری می‌یابد که نفس بدون آن شئون می‌تواند موجود باشد، اما آنها بدون نفس تحقق نمی‌یابند. براین اساس مفاهیم «علت»، «بی‌نیاز بودن» و «مستقل» را از خود نفس، و مفهوم معلول را از شئون نفس انتزاع می‌کند؛ (مصباح، ۱۳۷۸، ص ۲۲۹) لذا یقین برآمده از این برهان خط‌بردار نیست و نسبت به براهین آفاقی دارای اعتبار و وثوق بیشتر است. علاوه بر این، همه انسان‌ها برخوردار از عقل انتزاعی که مانند برهان امکان و وجوب را بفهمند نیستند، لیکن تجربه وجدان اخلاقی را به کرات در زندگی دارند. فرقی ندارد که دانشمند و فیلسوف الهی باشد یا نباشد، بی‌سواد باشد یا باسواد، همین که انسان باشد مقدمه اصلی این تجربه و برهان فراهم است.

موسوی لاری درباره روشن‌تر بودن یقین وجدانی از یقین عقلانی و حصولی می‌نویسد: یقین عقلانی به لحاظ انکشاف واقع، یک پدیده مشخص است، اما یقین وجدانی از آن روشن‌تر است، زیرا موضوع‌هایی که در خارج درک شده و در ذهن انعکاس یافته، توسط عقل به آن موضوع یقین

پیدا می‌شود. روشن است که چنین موضوعی واقعیت جدا و غیر از ذهن دارد؛ اما همین یقین وقتی که با وجدان ایجاد می‌شود، از حد دیدن و مشاهده بالاتر است، و مانند این است که شخص موضوع را جزئی از خود احساس می‌کند (موسوی، ۱۳۷۶، ص ۶۷-۶۶).

با تطبیق یقین وجدانی به گفتار علامه طباطبایی، حضوری بودن مقدمات و برتری این یقین بهتر روشن می‌گردد. علامه طباطبایی می‌گوید: نگاه به آیات آفاقی، شناخت حصولی و فکری به دنبال دارد؛ برخلاف معرفت به نفس و قوا و اطوار وجودی اش که خود معرفت از آثار نفس و تجلیات آن است و نظر به آن نظری است شهودی و علمی است حضوری. قوام علم حصولی به مقدمات برهان و ترتیب قیاس است؛ تا وقتی که آن مقدمات در ذهن مورد توجه است علم هم باقی است و با عدم اشراف ذهن و کمترین غفلت، اندک شبهه‌ای آن علم را از بین می‌برد؛ اما در علم حضوری مذکور، از قبیل مشاهده و عیان است و نیازی به ترتیب مقدمات ندارد. کارهای نفس انسان در خودش انجام می‌شود و چیزی که نفس را از خودش جدا و بیرون کند نیست، از هر چیزی که با آن اختلاط ظاهری دارد بیگانه و جدا است جز از پروردگار خود، چون او به باطن و ظاهر نفس محیط است؛ در چنین مشاهده نفس که هر چیزی از یاد می‌رود و فقط به یاد خداست و مانعی وجود ندارد، نام این معرفت را بهتر است «خدا را به خدا شناختن» گذاشت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۵۳-۲۵۲). بنابراین برهان صدیقین از طریق شناخت خاص نفس و کارکرد وجدان اخلاقی ممکن است. وجه برتری شناخت حضوری نفس نسبت به شناخت‌های برآمده از آیات آفاقی در همین نکته نهفته است.

علامه جعفری درباره روند علم حضوری و خودآگاهی پیدا کردن می‌نویسد: معمولاً انسان در ابتدا نیروها و فعالیت‌های درونی خود را درک می‌کند. سپس با کنار گذاشتن هر یک از آنها به دریافت حضوری خود دست می‌یابد (جعفری، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۲۶۲). به هر حال همه توجه به نیروها و فعالیت‌های درونی با دریافت حضوری و بی‌واسطه انجام می‌شود.

۲-۶. زمینه‌ساز خدانشناسی حضوری و شهودی

با توجه به حضوری بودن مقدمات این برهان و مرتبط بودن آن با خیر اتم اخلاقی، می‌تواند زمینه‌ساز جهش انسان از خدانشناسی استدلالی به خدانشناسی شهودی و حضوری باشد؛ زیرا خدانشناسی شهودی عالی‌ترین مرحله خدانشناسی و سبب تحول انسان است که به آسانی میسر نیست؛ اما از مسیر وجدان اخلاقی زمینه‌ی خدانشناسی بی‌واسطه و شخصی برای انسان فراهم می‌شود. نکته‌ای را که با استفاده از گفتار علامه جعفری یادآوری می‌نماییم این است که هر چیزی که قابل دریافت و شهود باشد دلیلی بر بدیهی بودن آن نیست. لذا درک من، خدا، جهان و نوع انسانی با اینکه قابل

شهود و دریافت است اما بی‌نیاز از دلیل و استدلال نیست. برای مثال، علم حضوری به ذات و من‌انسانی، یک شهود یکسان برای همه نیست و اختلاف برداشت در آن فراوان است (همو، ۱۳۹۱، ص ۴۲). همچنین درباره نقش شهود در اکتشافات و ابتکارات می‌گوید: تعداد کثیری از دانشمندان علوم، دخالت دریافت‌های شهودی را در اکتشاف و ابتکار قبول کرده‌اند (همو، ۱۳۸۶، ج ۲۵، ص ۸۸). بنابراین کارکرد شهود به صورت مطلق حتی میان دانشمندان علوم پذیرفته شده است. علامه در مورد شناخت شهودی صفات خدای متعال، نه به صورت کامل و احاطی می‌گوید: برای کسی که تهذب روحی و تخلق به اخلاق الله دارد، دریافت شهودی، فروغی از خود صفات خداوند امکان‌پذیر است (همان، ۱۳۸۶، ج ۱۶، ص ۷). در عرفان مثبت و حقیقی، من آدمی با تخلق به اخلاق الله می‌تواند به مرحله‌ای از کمال نائل شود و همانند شعاعی از اشعه نور الهی گردد (همو، ۱۳۹۱، ص ۳۲). بنابراین مرتبه بالاتر علم و دریافت، معرفت شهودی است و شناخت شهودی خداوند رحمان نسبت به شناخت حصولی و استدلالی او برتری دارد. زمینه چنین شناختی با توجه به برهان وجدان اخلاقی فراهم می‌شود.

۳-۶. موجب اصلاح و کمال نفس

این برهان سبب اصلاح و کمال نفس انسانی است، زیرا ملازمت با شناخت خیر و شرّ و سود و زیان مستقیم نفس در سلوک زندگی، موجب رشد و تکامل و تحول نفس می‌شود. علامه طباطبایی درباره بهتر بودن شناخت و سیر انفسی از آفاقی چنین بیانی دارد: عکس شناخت آفاقی، معمولاً شناخت نفس از اصلاح اوصاف و اعمال نفس خالی نیست؛ ذات نفس، قوا، ادوات روحی و جسمی، عوارض آن مانند اعتدال، افراط، تفریط، ملکات فاضله، رذیله، احوال نیک و بد، همراه با معرفت نفس است. چنین شناختی و باور داشتن به لوازم آن، مانند امن و خطر، سعادت و شقاوت، درد و درمان، از یک جایگاه نزدیک با دل آدمی آشنایی حاصل می‌کند. هنگامی که به دردهای روحی خود و درمان آن آگاه شد به اصلاح مورد فساد و به التزام مورد صحیح اقدام می‌کند. برخلاف سیر در آیات آفاقی، هرچند آدمی را به اصلاح نفس و تهذیب آن از رذائل اخلاقی و آراستن به فضایل معنوی و مکارم اخلاقی وادار می‌کند، اما از راه دور به گوش دل می‌رساند، نه از یک موقف نزدیک (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۵۲-۲۵۱). علامه جعفری می‌گوید: وجدان اخلاقی عامل درونی تحرک به ایده‌آل و عهده‌دار تکامل حکمت عملی است.

۱. باید‌ها را از نیاید‌ها و خوبی‌ها را از بدی‌ها تفکیک می‌کند.

۲. قاضی امین و مطمئن است.

۳. نظاره‌گر امین و هیچ نوع بازیگری‌ای در نظاره خود روا نمی‌دارد.

۴. راهنمایی مطمئن است.
 ۵. وجدان شکنجه می بیند و شکنجه می دهد.
 ۶. زشت و زیبا می شود.
 ۷. خود را برای خود ارائه کرده و مشغول به رازونیز می شود.
 ۸. وجدان یک قطب نما است.
- این موارد و دهها نمود دیگر که مربوط به تکامل اخلاقی درون انسان است، قابل مشاهده قطعی است که بدون آنها فلسفه و هدفی نمی توان برای زندگی به رسمیت شناخت (جعفری، ۱۳۹۵/الف، ص ۳۲۴).

اخلاق کمالی که در حقیقت همان اخلاق مورد نظر در اتصاف وجدان به آن است، در تعبیر علامه جعفری چنین آمده است: اخلاق کمالی یعنی متصف شدن به صفات عالی انسانی. ریشه اخلاق کمالی صفات عالی کمال خداوند است. اخلاق کمالی، هم آگاهی به بایدها و خوبی هاست و هم تطبیق فعل، قول، نیت، تفکر و اراده برای رسیدن به کمال، روح را چنان شکوفا می کند که انسان به حقیقت معنای «همه یک و یک همه» که از آیه ۳۲ سوره مائده استفاده می شود به ابتهاج و شکوفایی نهایی در جاذبه کمال اعلا می رسد. چنین اخلاقی انسان را به اصل وجودی اش توجه می دهد (همو، ۱۳۸۶، ج ۱۷، ص ۲۳۲-۲۳۱). بنابراین تکامل نفس و پیراستن از رذائل در سایه ملازمت و توجه به اوصاف کمالی محقق می شود.

۴-۶. همگانی بودن

ممکن است سؤالی به ذهن برسد که آیا وجدان اخلاقی چیزی است که همه انسانها از آن به صورت فطری برخوردارند، یا چیزی است که توسط فرهنگها و تربیت های گوناگون به اشکال متفاوت در افراد بروز و نمود پیدا می کند؟ به عبارت دیگر، فطری است یا اکتسابی؟ در صورت اکتسابی بودن، ممکن است بعضی افراد چنین خصوصیتی را دارا نباشند و در صورت فطری بودن، باید همه افراد از این ویژگی برخوردار باشند. روشن شدن این مطلب از این جهت مهم است که اگر وجدان اخلاقی در انسان یک نیروی فطری نباشد، چه بسا برهان قرارگرفتن آن مورد تردید و اشکال واقع گردد.

آیت الله مکارم می نویسد: خداپرستان، وجدان اخلاقی و فطرت انسانی را در صورت آلوده نشدن ثابت می دانند و آن را پرتوی از فروغ پروردگار محسوب می کنند؛ لذا اخلاقیات مبتنی بر وجدان و حسن و قبح عقل عملی را نیز ثابت محسوب می دارند (مکارم، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۶۷).

به صورت مختصر باید گفت که میان علمای اسلامی شاید کسی پیدا نشود که قائل به اکتسابی

بودن وجدان اخلاقی باشد، زیرا دلیل نقلی و عقلی از وجدان اخلاقی به عنوان یک استعداد فطری پشتیبانی می‌کند؛ اما میان صاحب‌نظران غربی کسانی مانند توماس هابز و ماکیاولی قائل به عدم وجدان اخلاقی به صورت فطری‌اند. علامه جعفری در این مورد می‌نویسد: توماس هابز و ماکیاولی می‌گویند در نهاد انسان هیچ گرایشی به مسائل اخلاقی و انسانی وجود ندارد، عملی که ظاهراً اخلاقی است یا از روی سودجویی و التذاذ شخصی است یا از ریاکاری (جعفری، ۱۳۹۴، ص ۲۴۳). از این سخن، نفی وجدان اخلاقی به عنوان یک نیروی فطری به صورت واضح استفاده می‌شود. مقابل این دیدگاه برای رد آن از قول سانتیلر می‌گوید: هر کسی قانون اخلاق و اختیار را منکر شود در حقیقت عنوان انسانیت خود را تا درجه حیوانیت ساقط کرده است، بداند یا نداند، زیرا او فاسدالاخلاق است اما حیوانات فاسدالاخلاق نیستند (همان، ص ۲۵۱-۲۵۰).

بنابراین در وجود نیروی وجدان به عنوان منشأ اساسی اعمال اخلاقی به صورت فطری در انسان هیچ تردیدی نخواهد بود. چنین نیرویی نیاز جدی به شکوفا شدن دارد که با بیان این برهان و رایج شدن آن، زمینه توجه بیشتر به آن فراهم می‌شود. باید توجه داشت که وجود وجدان در انسان یک مطلب است و شکوفا کردن و استفاده کامل از آن مطلب دیگر است.

۵-۶. شکوفا شدن احساسات و عواطف قدسی

دو تصویر از خداشناسی میان دانشمندان، متفکران، عارفان و ادیان نمایان‌تر است:

۱. تصویر انتزاعی و عقلی، به این معنا که خداوند در قالب مفاهیم متافیزیکی و مابعدالطبیعی معرفی می‌شود. مکاتب فلسفی بیشتر به این نگاه پرداخته‌اند؛ مانند فارابی، ابن‌سینا و توماس آکویناس. این تصویر ممکن است در نگاه ابتدایی برای انسان خیلی دل‌انگیز و لذت‌بخش نباشد.
۲. تصویر انضمامی - انسانی و اخلاقی، به این معنا که خداوند رحمان با اوصاف اخلاقی، بیشتر معرفی می‌گردد تا با مفاهیم مابعدالطبیعی. عارفان و ادیان الهی غالباً ارائه‌کننده چنین تصویر هستند؛ نه به معنای اینکه نگاه اول در این تصویر اصلاً راه ندارد، بلکه علاوه بر تصویر اول، اوصاف اخلاقی خداوند را برجسته‌تر نشان می‌دهد. برهان وجدان اخلاقی تصویر دوم را مستلزم است. خداوند در این تصویر، علاوه بر اینکه مبدأ وجود است، خاستگاه زلال‌ترین مراتب و احساسات عالی و اخلاقی انسان است. لازمه توجه به آن فعال شدن انگیزه و احساس قوی قدسی در انسان است.

۶-۶. توجه دادن به اوصاف اخلاقی خدای متعال

دریافت شهودی خدای رحمان به عنوان موجد، محیط و تکیه‌گاه حقیقی وجدان اخلاقی، اوصاف اخلاقی خداوند را بیش از دیگر اوصاف او نمایان می‌کند؛ زیرا وجدان متصف به اخلاق، در ذات

خود اوصاف اخلاقی را واجد است. نمی‌شود که وجدان دارای صفات اخلاقی باشد و تکیه‌گاه اصلی وجدان چنین نباشد. اساساً قبل از اینکه وجدان متصف به اخلاق بشود، خالق وجدان متصف بوده است؛ بلکه اوصاف اخلاقی وجدان، فروغی از اوصاف خالق وجدان است. لذا در برهان وجدان اخلاقی این قابلیت است که انسان را به صفات اخلاقی خداوند رحمان بیش از دیگر صفات او به صورت مستقیم آشنا سازد.

به هر حال مزیت این برهان نسبت به براهین دیگر در معرفی خدای عادل، خدای رحمان، خدای غفور، خدای کریم و ... بیشتر از براهین دیگر است.

۷. دلایل برهان وجدان اخلاقی

در اینجا به دنبال مهم‌ترین دلایل این برهان از دیدگاه علامه جعفری هستیم و به تأیید، تصحیح و ردّ برهان اخلاقی امثال کانت و دیگران توجهی نداریم.

۷-۱. عقلی و عقلایی

عقل به واسطه وجدان اخلاقی، به علت که محیط بر همه وجدان بشری است راه می‌یابد. رسیدن از وجدان اخلاقی به علت اعلائی آن، خود دلیلی عقلی است؛ اما اینکه عموم عقلا به وجدان و قوانین اخلاقی معترف و معتقدند، این خود می‌تواند یک دلیلی عقلایی باشد. ضمن گفتار علامه جعفری، به این دو مطلب این‌گونه اشاره شده است: در داشتن استعداد «وجدان اخلاقی» در وجود انسانی شکی وجود ندارد. اگر کسی شک و تردیدی داشته باشد، علامه برای رفع آن چنین می‌گوید: اگر در انسان استعداد وجدان اخلاقی وجود نداشته باشد که حق و باطل‌ها، نیک و بد‌ها و بایستگی و نبایستگی را نشان بدهد، هرگز با وجدان اخلاقی با آنها روبرو نخواهد گشت (جعفری، ۱۳۸۶، ج ۱۴، ص ۱۸۳). در حالی که انسان با وجدان اخلاقی با آنها روبرو می‌شود، بنابراین در انسان استعداد وجدان اخلاقی وجود دارد.

علامه به نقش اخلاق در شناخت بهتر از واقعیات هستی در استدلال عقلی چنین می‌پردازد: کسانی که اخلاق نیکو ندارند چون پالایشگاه درونی آنان از تصفیه واقعیات‌هایی که از هستی به درون آنان وارد می‌گردد، ناتوان است؛ لذا همیشه با نگاه مبهم و تاریک با هستی مواجه می‌شوند و واقعیات هستی را بی‌اساس می‌بینند، لذا دنیا را هرگز جدی نمی‌گیرند؛ اما دارندگان اخلاق عالی، چون قانون موجودیت مغزی و روانی را خوب درک و دریافت کرده و رفتارشان را بر مبنای همان قانون قرار داده، لذا قانون هستی که اداره‌کننده موجودیت انسان است را به خوبی درک و دریافت می‌کنند (همان، ۱۳۸۶، ج ۱۴، ص ۵۳).

در مورد کارکردهای مهم طبیعی روح با استناد به نظر حکما و انسان‌شناسان بزرگ، علامه چنین

مضمونی دارد: همه ادیان آسمانی، حکما و انسان‌شناسان بزرگ معتقدند که ارزش طلبی‌ها، گرایش روح به اخلاق عالی، اشتیاق شدید به قرار گرفتن در جاذبه‌های حقایق فوق طبیعی و خداوند که حقیقت اعلا است، در طبیعت روح است و چنان‌که بعضی از متفکران به اشتباه کسبی و تلقینی خالص گمان کرده‌اند، نیست (همان، ۱۳۸۶، ج ۱۳، ص ۷۶).

۷-۲. دینی و نقلی

در گفتار علامه ذکر شد که وجدان نورانی، پیک خداوند و وسیله دریافت او در وجود انسان است. همین مطلب ضمن آیه قرآن به این صورت مطرح شده است: «هنگامی که موج دریا آنان را مانند ابرهایی فراگیرد خداوند را مخلصانه می‌خوانند، وقتی به خشکی نجاتشان دهد، بعضی از آنان میانه‌رو باقی می‌مانند، آیات ما را انکار نمی‌کند مگر کسی که بسیار خیانتکار و ناسپاس است». (لقمان (۳۱)، ۳۲)

اگر به گفتار علامه در مورد اخلاق در حیات معقول توجه کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که علامه با توجه به متون دینی چنین مضامینی را بیان داشته است: اخلاق در زندگی معقول عبارت است از: احساس جزء بودن از کل حیات انسانی که دم الهی در آن حیات دمیده شده است، (حجر (۱۵)، ۲۹). کسی که چنین احساسی دارد، در حقیقت می‌پذیرد که رابطه‌اش با دیگران، رابطه عناصر یک روح با مجموع آن روح است یا رابطه اشعه منتشر شده از یک منبع نور است. چنین شخصی آنچه را بر دیگران پسندد بر خود می‌پسندد و آنچه را بر دیگران نپسندد بر خود نمی‌پسندد. چنین اخلاقی به جامعه از افق بالاتر می‌نگرد، آن‌گونه که امام علی علیه السلام انسان‌ها را کاروانیانی از حق می‌دید که در حرکت به سوی حق‌اند. اخلاق در حیات معقول همانند روح است نسبت به حیات معقول، چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله رشد و کمال چنین روح را هدف رسالتش معرفی فرمود: (بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ)، «برای به تمام و به کمال رسیدن کرامت‌های اخلاقی مبعوث شدم». این فرموده را تطبیق کنیم با آیه ۹۷ سوره نحل که می‌فرماید: «مرد و زنی مؤمنی که کار صالح انجام دهد برایش زندگی منزّه می‌دهیم» و آیه ۱۶۲ سوره انعام که می‌فرماید: «نمازم، عبادتم، زندگی و مرگم برای پروردگار عالمیان است». چنین زندگی‌ای بر مبنای اخلاق عالی انسانی استوار است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود مأمور تکمیل آن هستم (جعفری، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰-۱۱۶). همچنین به صورت مختصر، علامه در گفتار دیگر این مضمون را دارد: عامل اعتبار وجدان آگاه، اخلاق و مذهب است و چنین وجدانی داخل در منطقه ارزش‌ها است و از آن به وجدان الهی تعبیر می‌شود (همو، ۱۳۸۶، ج ۲۲، ص ۶۸). در این مضمون علاوه بر رابطه وجدان و اخلاق، اعتبار بخشی مذهب به وجدان مورد اشاره واقع شده است.

نتیجه

با توجه به مطالب ذکر شده، مخصوصاً از گفتار علامه جعفری که در ذیل عناوین مذکور مورد استناد قرار گرفت، به این نتایج می‌رسیم:

۱. وجدان اخلاقی به عنوان یک استعداد فطری و درونی انسان قابل دریافت و شهود است.
۲. دریافت وجدان اخلاقی نیاز به شناخت و توجه به خصوصیات متفاوت نفس دارد.
۳. بعد از دریافت وجدان اخلاقی به صورت مجزا از دیگر ویژگی‌های نفس، به چیزی که تکیه‌گاه اصلی آن باشد راهنمایی می‌گردیم.
۴. با نگاه دقیق می‌یابیم که موجد وجدان اخلاقی باید به تمامی نفوس احاطه داشته و واجد برترین و کامل‌ترین اوصاف اخلاقی به صورت ذاتی باشد.
۵. کسی که به صورت ذاتی دارای برترین اوصاف اخلاقی باشد، جز در خدای متعال قابل تطبیق نخواهد بود.

این صدا در کوه دل‌ها بانگ کی است گه پُر است از بانگ این گُهِ، گه تهی است

هر کجا هست او حکیم است اوستاد بانگ او زین کوه دل خالی مباد

(مولوی، ۱۳۷۳، ص ۲۳۵)

۶. حضوری بودن اغلب مقدمات این برهان، شاخصه‌ای جداکننده آن از براهین مانند نظم، حرکت و غایت‌شناختی است.

۷. دلایل عقلی و نقلی مؤید و پشتیبان این برهان است.

منابع

- قرآن کریم.

۱. جعفری، محمدتقی (۱۳۹۵) / الف. مجموعه آثار ۸ جبر و اختیار و وجدان. تدوین و تنظیم: عبدالله نصری، تصحیح: علی جعفری، زهره محمدعلی و میترا رفیع‌زاده. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۲. _____ (۱۳۹۵) / اب. وجدان. تحقیق: عبدالله نصری. چاپ ششم. تهران: مؤسسه نشر آثار علامه جعفری.
۳. _____ (۱۳۹۴). جبر و اختیار. تدوین و تنظیم: عبدالله نصری. چاپ هشتم. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۴. _____ (۱۳۹۲). مجموعه آثار ۵ حقوق جهانی بشر و کاوش‌های فقهی. تدوین و تنظیم: عبدالله نصری. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۵. _____ (۱۳۸۹). حیات معقول. تنظیم و تحقیق: عبدالله نصری، کریم فیضی و علی جعفری. چاپ دوم. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۶. _____ (۱۳۸۶). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه (ج ۱، ۳، ۴، ۶، ۸، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۲، ۲۴، ۲۵). چاپ نهم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. _____ (۱۳۷۳). تفسیر و نقد تحلیل مثنوی جعفری (ج ۳ و ۱۱). چاپ دوازدهم. تهران: انتشارات اسلامی.
۸. حقانی، حسین (۱۳۷۳). نظام اخلاقی اسلام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۷۷). نظام اخلاقی اسلام: تفسیر سوره مبارکه حجرات. چاپ هشتم. قم: بوستان کتاب (دفتر تبلیغات اسلامی).
۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۶). ترجمه سید محمدباقر موسوی، چاپ پنجم. قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. عباس‌نژاد، محسن (۱۳۸۴). قرآن، روانشناسی و علوم تربیتی. مشهد مقدس: نشر بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
۱۲. کانت، ایمانوئل (۱۳۸۹). نقد عقل عملی. ترجمه ان‌شاءالله رحمتی. چاپ سوم. تهران: انتشارات نورالثقلین و انتشارات سوفیا.
۱۳. مصباح، محمدتقی (۱۳۹۸) / الف. جامعه و تاریخ از نگاه قرآن. چاپ دوم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

۱۴. _____ (۱۳۹۸) /ب. نقد و بررسی مکاتب اخلاقی. تحقیق: احمد حسین شریفی. چاپ ششم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۵. _____ (۱۳۹۷). جامی از زلال کوثر. تحقیق: محمدباقر حیدری. چاپ شانزدهم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۶. _____ (۱۳۷۸). آموزش فلسفه (ج ۱). تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۷. مظاهری، حسین (۱۳۸۷). اخلاق و جوان (ج ۱). چاپ چهارم. قم: نشر شفق.
۱۸. _____ (۱۳۸۳). جهاد با نفس (ج ۱). چاپ هشتم. قم: نشر فلک فاطمی.
۱۹. _____ (۱۳۸۶). عوامل کنترل غرایز در زندگی انسان. چاپ سیزدهم. تهران: نشر ذکر.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن (ج ۱) قم: نشر مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۲۱. موسوی لاری، مجتبی (۱۳۷۶). رسالت اخلاق در تکامل انسان. چاپ چهارم. قم: بوستان کتاب (دفتر تبلیغات اسلامی).
۲۲. مولوی، جلال الدین محمد بن محمد (۱۳۷۳). مثنوی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۲۳. مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۸۴). نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی. چاپ هفتم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۴. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۷۸). معراج السعادة. چاپ ششم. قم: انتشارات هجرت.